

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

دانشگاه یزد

دانشکدهٔ زبان و ادبیات

گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه

برای دریافت درجهٔ دکتری

زبان و ادبیات فارسی

تحقیق در عناصر موسیقایی غزل‌های بیدل دهلوی

استادان راهنما:

دکتر محمد کاظم کهدویی دکتر سید محمود الهام‌بخش

استاد مشاور:

دکتر یدالله جلالی پندری

پژوهش و نگارش:

مهدی کمالی

مهرماه ۱۳۸۹

یادها

حرف به حرف این نوشته، آغشته است به دریغ استادان از دست رفته‌ام:
دکتر محمد خالدی که باب شعر سبک هندی را، با شیوه زیبای متن خوانیش به رویم گشود؛
دکتر سید حسن حسینی که آشنایی با بیدل را مدیون تلاشهای بیدل‌شناسانه او هستم؛
دکتر علی‌محمد حق‌شناس که از مطالعه آثارش، نگاه علمی به ادبیات را آموختم و از دقایق اندک
زانو زدن در مکتب شاگردنوازش، دانستم (و آیا این دیگری نیز آموختنی ست؟! که با همین تن
انسانی، فرشته شدن نیز می‌توان؛
و دکتر رمضان بهداد (این داغ تازه)؛ از او آموختم که «علم، تشریفات ندارد» و سعادت در کسب
علم و اخلاق است و جز این دو، باقی تکلف است.
یادشان گرامی.

قدردانی

این پایان‌نامه با اشراف علمی استادان بزرگوارى شکل گرفته است که نگارنده سپاسگزاری از ایشان را، با وجود نارسایی قلم، وظیفه خود می‌داند:

جناب آقای دکتر محمدکاظم کهدویی، به یمن اشراف بر ادب فارسی در شبه قاره و به برکت دسترسی به منابع مکتوب منتشرشده در آن سرزمین، امکان آشنایی و دستیابی نگارنده را به برخی منابع فراهم کردند که بی یاری ایشان از این آثار بی‌بهره می‌ماندم. این استاد بزرگوار با وجود مشغله‌های علمی بسیار در ایامی که نسخه اولیه پایان‌نامه آماده شده بود، با صرف وقت فراوان، متن را جزء به جزء مطالعه و دانشجوی کم‌استعدادشان را ارشاد فرمودند.

جناب آقای دکتر سید محمود الهام‌بخش که جمع‌آمدن فضل و ذوق در وجودشان، به ایشان اشراف و دقت نظر محققانه و ادراک و شعور شاعرانه بخشیده است، نگارنده را از هر دو وجه وجود پربرکتشان به کمال بهره‌مند کردند؛ بویژه آگاهی از برخی منابع تخصصی عروض را مدیون رهنمودهای ایشان هستم. نگاه موشکافانه این استاد عزیز، قلم‌اندازیهای ناشیانه این شاگرد خام‌کار را بزرگوارانه نواخته و نتیجه آن، رهنمودهای مدبرانه‌ای است که پایان‌نامه را از در افتادن در ورطه داوریهای ساده‌انگارانه رها کرده است.

جناب آقای دکتر یدالله جلالی پندری، در تمام مراحل شکل‌گیری این پژوهش، از انتخاب موضوع تا فراهم آمدن نسخه نهایی پایان‌نامه، نگارنده را در چنان زمینه‌های متنوعی یاری کرده‌اند که ذهن این کمترین، قادر به جمع‌بندی آن نیست. نظارت و سایه انداختن ایشان بر سر دانشجویانشان در طول تحصیل و از جمله نگارش پایان‌نامه، محدود به راهنمایی عالمانه نیست، بلکه شامل مراقبت مهرورزانه و چاره‌گریهای دلسوزانه هم می‌شود. یاریهای ایشان فارغ از مقررات مردانه و ناکارآمد و بعضاً غیر انسانی دانشگاه، واجد تمام امتیازات و محسنات یک «مدیریت مادرانه» است.

چکیده

سبک شعر فارسی که در قرون ده تا دوازده رایج بوده و به هندی مشهور است، با وجود تنوع شیوه‌ها، کم‌وبیش دارای ویژگی‌هایی است که اغلب آنها در شعر بیدل نیز با شدت بیشتری وجود دارد، از جمله تازگی. از لحاظ موسیقایی نیز هرچند شاعران این شیوه در مقایسه با دوره پیش از آن (شعر سبک عراقی) کمتر به ظرافت‌های موسیقایی و لوازم فصاحت توجه دارند، اما شاعران بزرگ این سبک از این قاعده مستثنا هستند.

بیدل که بزرگترین شاعر شاخه هندی این سبک است و در ایران تا حدود دو دهه پیش عمدتاً ناشناخته بود، در عرصه اندیشه و جهان‌بینی، متأثر از فلسفه و هستی‌شناسی هندی است. شیوه بیان غریب و پیچیده بیدل، با نگاه و دریافتهای تازه و نامأنوس او که حاصل دیدگاه خاص این شاعر است، سازگاری کامل دارد و موسیقی شعرش نیز جزئی از این شیوه است.

در تاریخ نقد ادبی، «کیفیت موسیقایی» را، همواره جزء جدایی‌ناپذیر شعر شمرده و برخوردار از آن را برای شعر لازم دانسته‌اند. در شعر فارسی، عناصر متشکله این موسیقی عبارت است از: وزن عروضی، قافیه و ردیف، و هم‌آوایی کلمات شعر که نتیجه تکرار هنری واحدهای آوایی متنوع زبان است. هماهنگی بین هر یک از این عناصر و محتوای شعر را نیز می‌توان تبصره‌ای بر این پدیده‌های آوایی و مکمل کیفیت موسیقایی شعر تلقی کرد.

در قالب «غزل»، با توجه به ویژگی‌های ساختاری آن، عناصر موسیقایی یادشده را می‌توان به دو گروه عناصر مربوط به ساختمان غزل (که در یک غزل ثابت است) و عناصر مربوط به بیت (که در ابیات مختلف غزل، در صورت وجود، ممکن است تغییر کند)، تقسیم کرد. عناصر موسیقایی اصلی در ساختمان غزل، عبارت از وزن، قافیه و ردیف است که «زمین» غزل را تشکیل می‌دهد؛ اصطلاحی که در متون ادبی دوره سبک هندی، به این معنی به کار رفته است.

کیفیات موسیقایی غزل بیدل را در دو نکته می‌توان خلاصه کرد: ۱- تازگی و غرابت، ۲- تأثر از عناصر فرهنگی محیط هند. تازگی و غرابت، بستگی به مخاطب دارد و برای مخاطب ایرانی شعر بیدل، عناصر فرهنگی هند، خود، واجد این صفت نیز هست. بدین ترتیب بخشی از تازگی شعر بیدل، نتیجه انعکاس اجزایی از همین فرهنگ ناآشنا برای ما است.

غرابت موسیقایی شعر بیدل، گاه توجه خواننده را از هر چیز دیگر، از جمله «آنچه گفته می‌شود» باز می‌گرداند و خود موسیقی در مرکز توجه قرار می‌گیرد. همچنین در ارزیابی شعر از نظر میزان تناسب عناصر موسیقایی آن با محتوا، باید گفت اگر قصد شاعر انتقال احساسات و ادراکاتی پیچیده و نامأنوس و غریب و بی‌سابقه باشد، یقیناً بهره‌گیری از کیفیات آوایی با همین صفات، به معنی رعایت تناسب صورت و محتوا و سازگاری عناصر و اجزا با هدف اصلی است.

بخشی از تأثر شعر بیدل از فرهنگ هندی، در دایره موسیقی و کیفیات آوایی شعر می‌گنجد و از مسیر تدقیق در برخی عناصر موسیقایی غزل‌های او از منظر عروض هندی و برخی ویژگی‌های

آوایی زبان هندی، می‌توان آن را توضیح داد. برای مثال برخی اوزان نادر شعر فارسی که بیدل به کار گرفته و همچنین ویژگیهای اغلب این وزن‌ها، در عروض هندی موجود و با آن سازگار است و الگوی قافیه‌ای که بسامد نسبی آن در غزل‌های بیدل در حد بسیار چشمگیری زیاد است، با کیفیات آوایی زبان هندی تناسب دارد.

کلیدواژه‌ها: بیدل دهلوی، غزل، سبک هندی، عناصر موسیقایی شعر، وزن، قافیه، ردیف، زمین غزل.

فهرست مطالب

۱	فصل اول: مبادی تحقیق
۲	۱.۱. تعریف موضوع (تعریف مسأله، هدف از اجرا و کاربرد نتایج تحقیق)
۴	۲.۱. سابقه تحقیق در موسیقی غزل بیدل
۴	۱.۲.۱. سابقه تحقیق در اوزان غزل بیدل
۵	۲.۲.۱. سابقه تحقیق در قافیه و ردیف غزل بیدل
۵	۳.۱. کلمات کلیدی
۵	۴.۱. سؤالات پژوهشی
۶	۵.۱. روش تحقیق
۷	فصل دوم: بیدل و سبک هندی
۸	۱.۲. بیدل
۸	۱.۱.۲. معرفی مختصر شاعر
۱۰	۲.۱.۲. اشاراتی درباره زبان و موضوع شعر بیدل
۱۳	۳.۱.۲. معرفی کوتاه آثار
۱۵	۴.۱.۲. ناشناختگی بیدل در ایران و برخی از علل آن
۱۶	۲.۲. سبکها و دوره‌های شعر فارسی
۱۷	۱.۲.۲. نام سبک هندی
۱۸	۲.۲.۲. ماهیت و ویژگیهای سبک هندی
۲۳	فصل سوم: شعر و موسیقی آن
۲۴	اشاره
۲۴	۱.۳. مروری بر آرای عمده در باب کیفیت موسیقایی شعر
۲۵	۱.۱.۳. ارسطو و راویان شرقی
۲۵	۱.۱.۱.۳. ارسطو؛ معلم اول، کلام آخر
۲۶	۲.۱.۱.۳. قدامة بن جعفر: از قومدیا به قصیده
۲۷	۳.۱.۱.۳. ابن سینا و خواجه نصیر
۳۴	۴.۱.۱.۳. نتیجه این بحث
۳۵	۲.۱.۳. آرای معاصران در باب موسیقی شعر
۳۶	۱.۲.۱.۳. شفیع کدکنی: سنت و صورتگرایی
۳۹	۲.۲.۱.۳. کورش صفوی: از زبان‌شناسی به ادبیات
۴۹	۳.۲.۱.۳. نتیجه این بحث

۵۰	۲،۳. غزل و عناصر موسیقایی آن
۵۳	۱،۲،۳. عناصر موسیقایی یگانه در غزل (مربوط به ساختمان غزل)
۵۳	۱،۱،۲،۳. زمین غزل
۵۵	۱،۱،۱،۲،۳. وزن
۵۵	وزن شعر فارسی و عروض سنتی
۵۷	تحقیقات معاصران
۵۷	وزن مستقل
۵۹	وزن دوری
۷۰	تنوع و تعداد اوزان شعر فارسی
۷۱	اوزان غزل
۷۵	سابقه تحقیق در اوزان اشعار یک شاعر خاص
۷۷	۲،۱،۱،۲،۳. قافیه
۷۷	ماهیت، اجزا و تعریف
۸۰	اهمیت و کارکردها
۸۳	درجات زیبایی‌شناختی
۸۵	سابقه و نمونه تحقیق در قافیۀ یک مجموعه شعر یا سروده‌های شاعر خاص
۸۶	۳،۱،۱،۲،۳. ردیف
۸۶	تعریف و حدود آن
۹۰	اهمیت و کارکردها
۹۳	نوآوریها
۹۴	انواع ردیف
۹۴	بسامد و کیفیت استفاده شاعران از ردیف و سیر تحول آن
۱۰۲	ردیف در غزل
۱۰۳	۲،۱،۲،۳. تعدد مطلع
۱۰۳	۳،۱،۲،۳. رد مطلع
۱۰۳	۲،۲،۳. عناصر موسیقایی مربوط به ابیات غزل
۱۰۶	۱،۲،۲،۳. تکرار واجی
۱۰۶	۲،۲،۲،۳. تکرار واژگانی
۱۰۶	۳،۲،۲،۳. توازن نحوی
۱۰۷	۳،۳. تناسب عناصر آوایی شعر با معنی آن
۱۰۸	۱،۳،۳. تناسب وزن، قافیه و ردیف شعر با محتوا
۱۰۹	۲،۳،۳. تناسب آوای واجها با محتوای شعر

۱۱۷	فصل چهارم: عناصر موسیقایی در غزل‌های بیدل
۱۱۸	۱.۴. اوزان غزل‌های بیدل
۱۱۹	۱.۱.۴. معرفی آماری اوزان غزل‌های بیدل
۱۲۲	۲.۱.۴. بررسی مقایسه‌ای اوزان
۱۲۸	۳.۱.۴. بررسی یکایک اوزان
۱۳۱	۴.۱.۴. دسته‌بندی اوزان غزل بیدل
۱۳۴	۵.۱.۴. بررسی تفصیلی اوزان نادر (شواذ وزنی) شعر فارسی در غزل‌های بیدل
۱۳۹	۶.۱.۴. تحلیل استفاده بیدل از اوزان خاص
۱۴۰	۱.۶.۱.۴. بررسی هویت عروضی و ویژگی‌های آوایی اوزان خاص بیدل
۱۴۵	۲.۶.۱.۴. جمع‌بندی ویژگی‌های آوایی اوزان خاص بیدل
۱۴۵	۳.۶.۱.۴. تفسیر ویژگی‌های آوایی اوزان خاص بیدل
۱۴۷	۴.۶.۱.۴. تحلیل ویژگی‌های اوزان خاص بیدل با توجه به عروض هندی
۱۵۶	۷.۱.۴. نقد زیبایی‌شناسانه اوزان خاص غزل‌های بیدل
۱۵۹	۸.۱.۴. اوزان دوری و دوپاره در غزل‌های بیدل
۱۶۶	۹.۱.۴. نکات مربوط به نحوه تطابق شعر با وزن
۱۶۷	۱.۹.۱.۴. هجای کشیده
۱۶۹	۲.۹.۱.۴. اختیارات شاعری
۱۷۰	تبدیل هجاها
۱۷۲	تغییر کمیت مصوتها
۱۷۵	حذف همزه
۱۷۹	۲.۴. قافیه و ردیف غزل‌های بیدل
۱۸۰	۱.۲.۴. نکات سبکی قوافی غزل‌های بیدل
۱۸۰	۱.۱.۲.۴. معرفی اجمالی آواهای قافیه
۱۸۱	۲.۱.۲.۴. قافیۀ تنگ (دشوار)
۱۸۶	۳.۱.۲.۴. ویژگی‌های سبکی مربوط به کلمۀ قافیه
۱۸۷	۲.۲.۴. نقد زیبایی‌شناختی قوافی و ردیفها
۱۸۷	۱.۲.۲.۴. ارزشهای زیبایی‌شناختی مضاعف قافیه (قافیۀ هنری)
۱۸۸	۱.۱.۲.۲.۴. نکات موسیقایی
۲۰۱	۲.۱.۲.۲.۴. نکات غیرموسیقایی
۲۲۱	۲.۲.۲.۴. تکرار قافیه
۲۳۱	۳.۲.۲.۴. عیوب قافیه
۲۳۳	۳.۲.۴. قافیۀ معموله

۲۳۷	۴,۲,۴. آمار بهره‌گیری از ردیف در غزل‌های بیدل و مقایسه آن با برخی از غزل‌سرایان
۲۳۸	۵,۲,۴. بررسی طول ردیف در غزل‌های بیدل
۲۴۰	۶,۲,۴. نوع دستوری ردیفها
۲۴۱	۷,۲,۴. ردیفهای خاص و دارای کیفیتهای برجسته
۲۴۴	۸,۲,۴. نقد غزل‌های دارای ردیف دشوار در دیوان بیدل
۲۴۶	۹,۲,۴. نقش ردیف در پیچیدگی و تازگی تصاویر شعری و گسترش معانی مجازی
۲۵۰	۱۰,۲,۴. تناسب معنی ردیف با موضوع و فضای غزل
۲۵۳	۱۱,۲,۴. تغییر معنی ردیف در ابیات مختلف غزل
۲۵۵	۱۲,۲,۴. نارسایی معنی ردیف یا زاید بودن آن
۲۵۷	۳,۴. زمین غزل‌های بیدل
۲۵۸	۱,۳,۴. تعداد زمینها و غزل‌های هم‌زمین بیدل
۲۵۸	۲,۳,۴. زمینهای پرسامد
۲۵۹	۳,۳,۴. زمینهای خاص (سبکی)
۲۶۰	۴,۳,۴. فواید تحقیقی تنظیم غزلها در دیوان بر اساس زمین
۲۶۱	۵,۳,۴. کاربرد اصطلاح زمین در غزل‌های بیدل
۲۶۳	۴,۴. تعدد مطلع
۲۶۳	۵,۴. رد مطلع
۲۶۴	۶,۴. عناصر موسیقایی بیت
۲۶۴	۱,۶,۴. تکرار واج و هجا
۲۷۰	۲,۶,۴. تکرار کلمه و جمله
۲۷۲	۳,۶,۴. توازن نحوی
۲۷۳	۴,۶,۴. قافیۀ میانی
۲۷۷	۵,۶,۴. موازنه
۲۷۸	۶,۶,۴. صدامعنایی
۲۷۹	۷,۴. بررسی و تحلیل موسیقی چند بیت و غزل برجسته
۲۸۳	۸,۴. اشارات بیدل به موسیقی شعر خود
۲۸۴	فصل پنجم: نتایج بحث
۲۹۰	پیوست: «زمین» غزل بیدل
۳۷۰	فهرست منابع و مآخذ چکیده انگلیسی

فهرست جداول

- جدول ۱. اوزان غزلهای بیدل و میزان کاربرد آنها (به ترتیب بسامد) ۱۲۰
- جدول ۲. مقایسه میزان کاربرد نسبی اوزان در غزل بیدل، غزل قرن یازده و غزل فارسی ۱۲۶
- جدول ۳. قوافی خاص غزلهای بیدل و مقایسه بسامدی آن با قوافی غزلهای حافظ ۱۸۲
- جدول ۴. تکرار شدید قافیه در غزلهای بیدل ۲۲۴

فصل اول

مبادی تحقیق

۱.۱. تعریف موضوع (تعریف مسأله، هدف از اجرا و کاربرد نتایج تحقیق)

به گفتهٔ ارنست کاسیرر (*Ernest Cassirer*) «در هنر، معنی چیزی جز نفس صورت و فرم نیست»^۱ و یاکوبسن (*Jacobson*) معتقد است: «موضوع مطالعه در علوم ادبی، ... ادبیت [*literariness*] است که عبارت است از آنچه یک اثر معین را به اثر ادبی بدل می‌کند.»^۲ شعر یکی از اشکال ادبیات است (فشرده‌ترین شکل آن) و ادبیات یکی از شاخه‌های هنر. بدین ترتیب برای فهم درست و ارزیابی واقع‌بینانهٔ یک «اثر شعری»، راهی جز بررسی جوانب مختلف «صورت و ادبیت» آن با روش‌های علوم ادبی نیست و برای رسیدن به درک و داوری صحیح و مستند دربارهٔ سروده‌های یک شاعر نیز، بی‌تردید باید از مسیر نقد فنی اشعارش عبور کرد تا وجوه شعریت این آثار آشکار، و مرتبه و جایگاه خالقشان در پیکرهٔ کلی شعر آن زبان و فرهنگ، شناخته شود.

به منظور شناخت علمی گنجینهٔ شعر فارسی به مثابهٔ یک کل به هم پیوسته و درک درست ارزشها و ویژگیهای آن، لازم است که مختصات تمام اجزای این کل از جنبه‌های مختلف، بررسی و تعیین شود؛ به بیان مشروح‌تر، تمام اشعار از نظر کیفیت تمام اجزای صوری شعر (عناصر شعری) همچون وزن و قافیه و تشبیه و استعاره و تلمیح و ... بررسی شود و اطلاعات آماری دقیق دربارهٔ آنها تهیه و به تفکیک شاعران و دوره‌های تاریخی و انواع ادبی و قالبها و ... تنظیم گردد. تنها با در دست بودن چنین اطلاعات موثقی است که امکان مقایسه و طبقه‌بندی آثار از طریق کشف شباهتها و تفاوتها، و همچنین درک و تحلیل ویژگیها، فراهم می‌شود و چشم‌اندازی روشن و بی‌ابهام از کلیت شعر فارسی آشکار می‌گردد.

اغلب محققان معاصر به اهمیت و ضرورت این نوع مطالعات توجه و به آن اهتمام داشته‌اند؛ خانلری با اشاره به این نکته که شاید هرگز معلوم نشود چرا یک اثر هنری خاص تأثیری معین بر مخاطب می‌گذارد، تأکید می‌کند: «اما آنچه دانستنش هرچه دشوار باشد، ممکن است، این است که در اثر هنری چه اجزایی وجود دارد و این اجزا چگونه و به چه ترتیب با هم ترکیب شده‌اند تا حالت نفسانی را موجب می‌شوند.»^۳

یکی از مهمترین اجزای صورت شعر که از عمده‌ترین عوامل تأثیرگذاری آن نیز هست (چنان که در ادامه به تفصیل خواهد آمد)، موسیقی و آهنگ آن است که خود متشکل از اجزایی (وزن، قافیه و ردیف، هماهنگیهای آوایی) است. خانلری در پایان تحقیقش در سیر تحول اوزان غزل فارسی، با اشاره به ضرورت تحقیق در عناصر صورت شعر از جمله وزن و قافیه به تفکیک شاعران و دوره‌ها، می‌نویسد: «تاریخ ادبیات ایران وقتی کامل است که همهٔ این تحقیقات از روی موازین

۱. محمدرضا شفیعی کدکنی، موسیقی شعر، چاپ سوم، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۷۰، ص ۴۲۰.

۲. *M.H. Abrams, A Glossary of Literary Terms, seventh edition, Heinle & Heinle, ۱۹۹۹, p1۰۳.*

۳. پرویز ناتل خانلری، هفتاد سخن، جلد اول: شعر و هنر، چاپ دوم، تهران، توس، ۱۳۷۷، ص ۲۱۰.

علمی انجام گرفته و یک جا گرد آمده باشد.^۱ همایی نیز در مقاله مفصلی که در باب شخصیت و شعر مولوی نگاشته است، پس از ذکر برخی اوزان پرکاربرد در غزل‌های او و خصوصیات موسیقایی این وزن‌ها، با اشاره به جای خالی تحقیق در این زمینه‌ها، می‌نویسد: «اگر غزلیات مولوی و سایر غزل‌سرایان فارسی را مخصوصاً از نظر اوزان و آهنگها بررسی کنند، نکات و دقایق مهم کشف می‌شود که برای فرهنگ ملی ما مخصوصاً رشته موسیقی و شعر و ادبیات بسیار مفید و لذت‌بخش است.»^۲

پژوهش حاضر گامی است بس کوچک و در حد توان محدود و ناتوانیهای نامحدود این رهجو در راهی که بزرگان نام‌برده در بالا، نشان داده و هر یک تا حدودی آن را هموار کرده‌اند، با تمرکز بر اشعار یکی از شاعران نسبتاً مهجورمانده زبان فارسی.

بیدل دهلوی (۱۰۵۴-۱۱۳۳ ه.ق.) یکی از بلندآوازه‌ترین شاعران پارسی‌گوی سرزمین هندوستان است که در ایران تا حدود دو دهه پیش از این، بکلی مورد بی‌اعتنایی بود. امروز که به همت عده‌ای از علاقه‌مندان، باب آشنایی با او گشوده شده است، به نظر می‌رسد برای حصول شناختی واقع‌بینانه و به دور از کلی‌گویی‌های ستایشگرانه و مبالغه‌آمیز یا منکرانه و تخطئه‌آمیز (که درباره او این هر دو رایج است)، باید با معیارهای علمی نقد شعر، جوانب مختلف سروده‌های او را سنجید تا جایگاه این اشعار و شاعرشان در دفتر پر برگ و بار ادب فارسی بتدریج آشکار شود.

از میان ابعاد مختلف هنر شعری بیدل، زبان نو و ناآشنا و تصاویر غریب و شگرف او، پیشتر و بیشتر مورد توجه و بررسی محققان قرار گرفته، اما پژوهش کاملی در باب عناصر موسیقایی شعر او صورت نگرفته است. همچنین، اغلب بیدل‌خوانان و بیدل‌شناسان از میان سروده‌های فراوان او که تقریباً در تمام قالبهای شعر فارسی گسترده شده است، غزل‌های او را ارزشمندترین محصولات طبعش می‌دانند. از سوی دیگر، قالب غزل با توجه به پیشینه و ماهیت غناییش پیوند عمیق‌تری با موسیقی دارد و نقش وزن و دیگر عناصر موسیقایی در آن برجسته‌تر از دیگر قالب‌هاست. بدین ترتیب انتخاب غزل‌های بیدل برای بررسی و تحلیل کیفیت این وجه از هنر شاعری او، مناسب‌تر به نظر می‌رسد.

در این پژوهش، غزل‌های بیدل دهلوی همچون شاخه‌ای پربار اما مشمول کم‌اعتنایی از درخت تناور شعر فارسی، از دید عناصر موسیقایی شعر به شیوه‌ای تا حد امکان آماری بررسی شده است و از طریق مقایسه نتایج به دست آمده با اطلاعات آماری متناظر مربوط به دیگر اجزای پیکره عظیم شعر فارسی، ویژگیهای اشعار بررسی شده، تعیین و در محدوده امکانات تحلیل گردیده است. البته فقدان اطلاعات متناظر درباره شاعران دیگر که مقایسه را ناممکن می‌سازد، محدودیت

۱. پرویز ناتل خانلری، تحقیق انتقادی در عروض فارسی و چگونگی تحول اوزان غزل، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۲۷، ص ۲۰۲.

۲. جلال‌الدین همایی، «غزلیات دیوان شمس»، مندرج در مقالات ادبی، ج ۱، تهران، مؤسسه نشر هما، ۱۳۶۹، صص ۱۸۵-۳۶۲، ص ۲۱۴.

دردناک و غم‌انگیز دانش و توان ذهنی تحلیل‌گر، مشکلات ذاتی تحقیقات تکلیفی دانشگاهی و دشواریهای عارضی زندگی امروزی، از هر طرف این محدوده را به شکلی تأسف‌بار تنگ کرده است.

۲.۱. سابقه تحقیق در موسیقی غزل بیدل

۱.۲.۱. سابقه تحقیق در اوزان غزل بیدل

درباره اوزان غزلها یا دیگر اشعار بیدل تاکنون تحقیق جامعی صورت نگرفته است؛ حتی خانلری و «ساتن» که اوزان غزل فارسی را به روش آماری بررسی کرده‌اند، چنان‌که پیشتر اشاره شد، بیدل را با حدود سه هزار غزلش نادیده گرفته‌اند، اما اندکی پس از دوره حیات شاعر تاکنون عده‌ای از ادبا و محققان (اغلب غیرایرانی)، به بعضی از ویژگیهای وزنی غزل او اشاره کرده‌اند و این اشارات اخیراً گسترده‌تر شده است.

نخستین بار، آزاد بلگرامی (هندی) (۱۱۷۷ ه.ق.) در *خزانه عامره* به استفاده موفقیت‌آمیز بیدل از اوزان جدید (بحور کامل و متدارک) اشاره کرده است.^۱ در دوران معاصر، صلاح‌الدین سلجوقی (افغانستانی) (۱۳۴۳ ه.ش.) از ابتکار بیدل در به‌کارگیری وزن‌هایی که با موسیقی هماهنگی بیشتری دارد، یاد کرده است.^۲

شفیعی کدکنی (۱۳۶۶ ه.ش.) به اوزان بلند و خوش‌آهنگ خاص بیدل به عنوان ویژگی برجسته غزل او اشاره و همان قول آزاد بلگرامی را نقل کرده است.^۳ نبی هادی (هندی) (۱۳۷۶ ه.ش.) با اشاره به همین اوزان بلند کم‌کاربرد در شعر فارسی، آهنگی را که از تکرار «متفاعلن» و «فعول فعلن» [مفاعلاتن] به وجود می‌آید کشف خاص بیدل معرفی می‌کند.^۴ او همچنین به تناسب غزلهایی که بیدل در این اوزان سروده است با رقص آیینی هندوان اشاره می‌کند و آنها را «تجربه فنی [عملی] و علمی ارتباط رقص و شعر» می‌داند.^۵ اخلاق احمد آهن (پاکستانی) (۱۳۸۶ ه.ش.) با اشاره به غزلهایی از بیدل در وزنهای «متفاعلن» و «مفاعلاتن»، اوزان «ابداعی» او را نتیجه آشنایی این شاعر با «موسیقی ضربی هند» و «تال» (ضرب)های آن می‌داند و غزلهایی را که او در این وزن‌ها سروده کاملاً متناسب با «رقص کلاسیک هند» به نام «کتھک» معرفی می‌کند.^۷

۱. *خزانه عامره*، ۱۱۷۷ ه.ق.، ص ۱۵۳، نقل از محمود فتوحی، *نقد خیال*، تهران، نشر روزگار، ۱۳۷۹، ص ۳۴۴.

۲. صلاح‌الدین سلجوقی، *نقد بیدل*، چاپ دوم، تهران، انتشارات عرفان، ۱۳۸۰، ص ۱۴۵.

۳. محمدرضا شفیی کدکنی، *شاعر آینه‌ها*، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۶۶، ص ۲۵.

۴. نبی هادی، *عبد/قادر بیدل دهلوی*، ترجمه توفیق سبحانی، تهران، انتشارات قطره، ۱۳۷۶، ص ۱۴۸.

۵. همان، ص ۱۳۰.

۶. البته این نظر ایشان است، وگرنه این وزن‌ها ابداع بیدل نیست، چنان‌که خواهد آمد.

۷. اخلاق احمد آهن، «غزل‌سرایی بیدل»، *مجله دانش (فصلنامه مرکز تحقیقات فارسی ایران و*

احمد ذاکری (۱۳۸۷ ه.ش.) نیز به برخی اوزان کم‌کاربرد شعر فارسی که در غزل بیدل نمونه‌های متعدد دارد، مانند «متفاعلن»، «مفاعلاتن»، «مفتعلاتن»، «متفاعلتن» [فعلن فعلن] اشاره می‌کند.^۱

۲,۲,۱. سابقه تحقیق در قافیه و ردیف غزل بیدل

قافیه: شفیع کدکنی به فراوانی تکرار قافیه در غزل بیدل اشاره کرده و علت آن را استفاده از قافیه به عنوان «ابزار تداعی» دانسته است.^۲

ردیف: هم او در بحث از تجرید (انتزاعی بودن) به عنوان یکی از ویژگیهای غزل بیدل، به تأثیر ردیف پیچیده در تجرید شعر اشاره کرده است.^۳

احمد محسنی که سیر تحول ردیف را در شعر فارسی، با آمارگیری و تحلیل کیفیت ردیف حدود ۲۵ تن از شاعران بررسی کرده است، در پایان بخش مربوط به صائب، با اشاره به این که کیفیت ردیف در شعر دیگر شاعران سبک هندی نیز تفاوت چندانی با آن صائب ندارد، به ذکر این آمار در باب بیدل اکتفا کرده است: «مولانا بیدل دهلوی ۶۵/۷۵٪ اشعارش مردّف است.»^۴

۳,۱. کلمات کلیدی

بیدل دهلوی، غزل، سبک هندی، عناصر موسیقایی شعر، وزن، قافیه، ردیف، زمین غزل
Bedil Dehlavi, Ghazal, Sabk-e Hendi, Musical Elements of Poem, Rhythm, Rhyme, Radif, Zamin-e Ghazal.

۴,۱. سوالات پژوهشی

- الف- اوزان غزل‌های بیدل از نظر کیفیت اعمال عناصر موسیقایی چه ویژگیهایی دارد؟
ب- قافیه و ردیف در غزل‌های بیدل چه مشخصاتی دارد؟
پ- ابیات غزل‌های بیدل به لحاظ هماهنگیهای آوایی در درون بیت، دارای چه ویژگیهایی است؟

پاکستان)، اسلام‌آباد، شماره ۹۱، زمستان ۱۳۸۶، ص ۱۲۷.

۱. احمد ذاکری، «موسیقی شعر بیدل دهلوی»، مجله قند پرسی (فصلنامه فرهنگ و زبان و ادب فارسی)، دهلی نو، شماره‌های ۳۹ و ۴۰، زمستان ۱۳۸۶ و بهار ۱۳۸۷، ص ۳۶۳-۳۶۵.

۲. محمدرضا شفیع کدکنی، شاعر آینه‌ها، ص ۷۲.

۳. همان، ص ۶۳.

۴. احمد محسنی، ردیف و موسیقی شعر، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی، ۱۳۸۲، ص ۱۵۶.

۵,۱. روش تحقیق

روش این تحقیق، تحلیلی - توصیفی است که به شیوه‌ای کتابخانه‌ای انجام شده است؛ بدین معنی که ابتدا کتابها و مقالاتی که دربارهٔ جوانب مختلف موسیقی شعر نوشته شده، مطالعه و یادداشت‌برداری شده است؛ آن‌گاه تمام غزل‌های بیدل مطالعه، و وزن و قافیه و ردیف هر غزل تعیین گردیده است، سپس این اوزان و قوافی و ردیفها، با معیارهای مختلف مربوط به هر یک، طبقه‌بندی شده و در موارد مقتضی، آمار هر نوع محاسبه و بر اساس آن، جداول آماری تنظیم گردیده است. نکات تازه و برجسته در هماهنگیهای آوایی درون ابیات نیز جستجو و استخراج شده است. سرانجام با تحلیل نتایج به دست آمده از مراحل مذکور، نگارش پایان‌نامه بر اساس طرح تفصیلی آن صورت گرفته است.

فصل دوم

بیدل و سبک هندی

۱.۲. بیدل

۱.۱.۲. معرفی مختصر شاعر

«من نمی‌دانم کی ام در بارگاه کبریا

حلقه بیرون در، بیدل خطابم می‌کند»

میرزا عبدالقادر بیدل دهلوی، در سال ۱۰۵۴ ه.ق. (۱۰۲۳ ه.ش. و ۱۶۴۴ م.) در عظیم‌آباد هندوستان (پتنه کنونی) متولد شد و در ۱۱۳۳ ه.ق. (۱۱۰۰ ه.ش. و ۱۷۲۱ م.) در دهلی درگذشت. وقایع زندگی او به برکت کتاب چهار عنصر که آن را در فاصله ۴۱ تا ۶۲ سالگی نوشته^۱ و تقریباً زندگینامه خودنوشت او ست و همچنین تذکره‌هایی که معاصرانش در هند نوشته‌اند، مانند *مرآة الخیال* شیرخان لودی، *سفینه خوشگو*، نوشته بندر ابن داس خوشگو، *سرو آزاد* و *خزانة عامرہ* آزاد بلگرامی و *مجمع النفایس* خان آرزو، کم‌وبیش روشن است. در دوران معاصر نیز با نقد و تلفیق منابع پیش گفته، زندگینامه‌های جامع و مستندی برای او فراهم آمده است، مانند کتاب *عبدالقادر بیدل دهلوی* نوشته نبی هادی و مدخل بیدل در: *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی*، *دانشنامه ادب فارسی در شبه قاره*، *دانشنامه زبان و ادب فارسی*.

متن حاضر با بهره‌گیری از منابع معاصر یادشده تحریر یافته و در مواضع اختلاف منابع یا افراد منبع، مأخذ ذکر شده است.

بیدل از قبیله «برلاس» ترکان جغتایی بود. خاندان او چند دهه پیش از تولد بیدل به هندوستان مهاجرت کرده بودند و اغلب منصب نظامی داشتند. پدرش عبدالخالق که با وجود سپاهی‌گری و تمول، به صوفیان قادری هند پیوسته بود، نام تنها فرزند خود را که دیرهنگام نیز صاحبش شده بود، عبدالقادر نهاد؛ اما پیش از پنج سالگی پسرش، درگذشت. عبدالقادر مادر خود را نیز در شش سالگی از دست داد و بکلی «تنها» شد.

در این هنگام عمویش، میرزا قلندر، که مانند برادر در گذشته خود، هم سپاهی و هم اهل ذوق بود، متکفل برادرزاده یتیمش شد و او را که الفبای فارسی و قرآن خواندن را پیشتر نزد مادر آموخته بود، برای فراگیری ادب فارسی و عربی به مکتب فرستاد، اما بعد از مدتی بر اثر آزدگی از فضای غیر انسانی مکتبخانه،^۲ او را به «خودآموزی» تکلیف کرد. عمر بیدل تا ۱۶ سالگی در جوار عمویش به مطالعه متون و علوم ادبی، تمرینات سنگین جسمی برای کسب مهارت‌های جنگ‌آوری، و

۱. بنگرید به یدالله جلالی پندری، «بیدل»، مندرج در *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر کاظم موسوی

بجنوردی، ج ۱۳، تهران، انتشارات دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۳، صص ۳۶۴ - ۳۶۸، ص ۳۶۸.

۲. برای شرح ماجرا بنگرید به هما حجتی، «بیدل دهلوی»، مندرج در *دانشنامه ادب فارسی*، ج ۴ (ادب

فارسی در شبه قاره)، به سرپرستی / ویراستاری حسن انوشه، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت

فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰، صص ۵۴۱ - ۵۶۲، ص ۵۴۲.

مصاحبت با صوفیانی گذشت که برخی مروج اندیشه‌های وحدت وجودی ابن عربی و عده‌ای متأثر از عرفان هندی و در نتیجه اهل کرامت‌آوری و عزایم‌خوانی و مبلّغ ریاضت‌های طاقت‌فرسا بودند.^۱ در سال ۱۰۶۹ ه.ق. بر اثر افول قدرت شاهجهان، پادشاه مقتدر و اهل فرهنگ و هنر امپراطوری مغولان هند (بابریان)، جنگ‌های خونین بر سر جانشینی، هندوستان را به آشوب کشاند و بیدل نوجوان نیز به اقتضای نظامی‌گری موروثی، به همراه عمویش، کوتاه‌مدتی در این نبردها درگیر شد، اما سپس به دایی خود، میرزا ظریف، که مردی فاضل و مدرس فقه و حدیث و عرفان بود پیوست و به شهر «کتک» (در استان اریسه در شمال هند) رفت. در طول این دوره که تا زمان مرگ میرزا ظریف در سال ۱۰۷۵ ادامه یافت، بیدل در کنار تکمیل علوم ظاهر و آغاز رسمی شعرگویی، با صوفیانی که معاشر دایی او بودند نیز، مصاحبت داشت.

به نظر می‌رسد تجارب عمده بیدل تا ۲۱ سالگی، یعنی یتیمی زودهنگام، مصاحبت دائمی با صوفیانی که برخی از آنان در واقع «مرتاض» بودند، مشاهده و حتی درگیری در نبردهای خونین همراه با پیمان‌شکنی و برادرکشی برای تصاحب قدرت سیاسی، و همچنین مرگ سرپرستان، اندیشه ناپایداری جهان و حس بدبینی و یأس را ملکه ذهن او کرده باشد.

بیدل در این زمان تنها راهی دهلی شد. دو نکته مهم زندگی او در این دوره، یکی آشنایش با صوفی صاحب کرامتی به نام «شاه کابلی» است که حدود دو سال شاعر جوان را شوریده و سرگردان ولایات هند کرد^۲ و دیگری شرکت در مجامع ادبی دهلی و اکبرآباد و سرودن اولین مثنویش «محیط اعظم» که سبب شد به عنوان شاعری نوظهور شناخته شود و تحت حمایت کامگارخان و عاقل‌خان رازی که هر دو از وابستگان متنفذ دربار اورنگ زیب بودند، قرار بگیرد.^۳ بیدل در بیست و شش سالگی (۱۰۸۰ ه.ق.) ازدواج کرد، اما صاحب فرزندی نشد، مگر (مانند پدرش) در پیری، ولی آن کودک نیز بیش از چند سال زنده نماند و پیش از پدر درگذشت.^۴ بدین ترتیب «قطع نسل» نیز به یتیمی و بی‌بهرگی از خواهر و برادر افزوده شد و «انفراد» بیدل به کمال رسید.^۵

بیدل تا پایان عمر عاقل‌خان (۱۰۸۷ ه.ق.)^۶ از حمایت او برخوردار شد و پس از آن نیز با داماد او نواب شکرالله‌خان رابطه بسیار دوستانه‌ای داشت و در سال ۱۰۹۶ ه.ق. پس از سالها سفر در

۱. بنگرید به یدالله جلالی پندری، «بیدل»، ص ۳۶۵.

۲. بنگرید به هما حجتی، «بیدل دهلوی»، مندرج در *دانشنامه ادب فارسی در شبه قاره*، ص ۵۴۴.

۳. بنگرید به همانجا.

۴. بنگرید به صلاح‌الدین سلجوقی، *نقد بیدل*، ص ۵۶۱.

۵. در *دانشنامه ادب فارسی در شبه قاره*، در باب مجالس «عرس بیدل» که پس از مرگ او در خانه‌اش برگزار می‌شده، آمده است: «میرزا محمد سعید، برادرزاده بیدل نیز از گردانندگان این آیین بود.» (ص ۵۴۶) این خبر بی‌گمان نامعتبر است و تردیدی نیست که بیدل هیچ خواهر و برادری نداشته است.

۶. بنگرید به هما حجتی، «بیدل دهلوی»، ص ۵۴۴.